خبر

برگزاری روز خلیج فارس با رویکرد گردشگری

همان‌طور که می‌دانید سه‌شنبه گذشته ۱۰ اردیبهشت، روز ملی خلیج فارس بود و بساط همایش‌ها و برنامه‌های ملی و محلی در این حوزه پهن. مرکز گردشگری علمی-فرهنگی دانشجویان ایران وابسته به جهاد دانشگاهی، یکی از همین مراکز است که هرساله درخصوص روز ملی خلیج فارس همایش برگزار می‌کند و امسال، سیزدهمین دوره همایش ملی علمی-فرهنگی خلیج فارس خود را با دارد با رویکرد گردشگری و تعاملات بین‌المللی و با چند روز تاخیر، امروز ۱۴ اردیبهشت، ساعت ۱۵ تا ۱۷ و ۳۰ دقیقه در دانشگاه علم و فرهنگ جهاددانشگاهی تهران برگزار کند.

محورهایی که قرار است در این همایش مورد بحث و بررسی قرار گیرد، شامل گردشگری در تعاملات بین‌المللی حوزه خلیج فارس، گردشگری در منطقه خلیج فارس؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، توسعه پایدار گردشگری خلیج فارس و سواحل آن، ایده‌های نو به منظور شناساندن جاذبه‌های گردشگری خلیج فارس، راهبردها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری گردشگری در منطقه خلیج فارس، توانمندی‌های منطقه خلیج فارس در حوزه گردشگری فرهنگی، اکوتوریسم و سلامت است./جام جم

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۳۷۳

جدول عادی

افقی: ۱) اثر تاریخی و دیدنی ماهان کرمان - کشتار دسته‌جمعی ۲) چاه جهنم - اصطلاحی در بسکتبال - کارگر کشتی ۳) درشت و بدقواره - یار عذرا - طلای قالبی ۴) حالت گازی آب - جنگ و جدال - به ذهن افکندن ۵) زمان مطابق با یک رویداد تاریخی - خشنود - نفی عرب ۶) حرف دهن‌کجی - زیر دست - سراینده داروگ ۷) کم کردن - دشمنی کسی را در دل داشتن - شراره آتش ۸) پیکار - انتهای مسیر مسابقه - واحد شمارش اسب ۹) مرکز شهرستان تنگستان - چشم سوم! - سنگدلی ۱۰) گازی در اتمسفر زمین - پهناورترین کشور آفریقا - سودای ناله ۱۱) حرف فاصله - ضماد - دومین روز هفته ۱۲) آماسیدگی - محل نصب رادار - علم و آگاهی ۱۳) خانه بزرگ - کمک - تکاور ۱۴) نصیحت کننده - آراستن مو - پراکنده ۱۵) بازگو کردن سخن - از صفات خداوند متعال.

عمودی: ۱) دربان - بدون معطلی - سنت‌ها ۲) حرف ندا - دهن دره - اقامت موقت در سفر ۳) جوشش - زن گندمگون - پیوسته ۴) تاوان - سنگی زینتی - دشمن باطل ۵) آهارزده - رد یا نشانه از چیزی - مقابل سردی ۶) شنای پنهانی - سرکوفت - سیب انگلیسی ۷) خرس - دستگاهی برای تکثیر نوشته - واگیردار ۸) آسیاب آشپزخانه - هر نوبت نمایش فیلم در سینما - برادر سلم و تور ۹) کمیاب - احسان - دو یار همقد ۱۰) گام - ایشان - نظریه ۱۱) داور - صورتگر - کاشتن بوته برنج ۱۲) یکدندگی - پایتخت پرو - مرکز کردستان ۱۳) چو ... می‌شدم گفتم که بردم گوهر مقصود - نوعی خاک - سودمند ۱۴) چاپلوس و متملق - ابزاری برای شخم زدن زمین - قدم یکپا ۱۵) حیوان آزمایشگاهی - تازه روییده - گریه و زاری.

جدول ویژه

افقی: ۱) حشره‌ای با دو معده - امیدواری ۲) زیان کردن - امتحان کردن - لقب امپراتوران روم بود ۳) بصیر - سقف فروریخته - شکستگی در سنگ ۴) مستمندان - مجروح - باد بسیار گرم ۵) بخش مراقبت‌های ویژه در بیمارستان - ثروتمند شدن - یازده ۶) شکل ظاهری - نویسنده انگلیسی نمایشنامه دکتر فاستوس - گرد و خاک ۷) فیلم کوتاه تبلیغی - بزرگ‌ترین شهر امارات عربی - اجازه نامه ۸) بخشی از زمان - مخترع ذره بین - موجود خیالی ۹) الهه اندیشه و هنر - باد خنک - بی‌رغبت ۱۰) در توضیح کلام به کار می‌رود - پول نیجریه - صحنه نمایش ۱۱) اسم ترکی - پیدایش - ایران شناس بریتانیایی و نویسنده سفرنامه مازندران ۱۲) خدای هندو - نوعی بیماری پوستی - شیپور جنگی ۱۳) سرزمین - خردمند - رمان رضا امیرخانی ۱۴) بدقواره - مسخره کردن - آموختنی مدرسه ۱۵) سبک ترین فلز - حسن سلوک.

عمودی: ۱) سوره چهل و سوم - انقلابی مکزیک - از ملزومات حفاری ۲) گردآگرد دهان - شهری در خراسان رضوی - غیرواقعی ۳) نوعی نان - هوو - آشیانه پرندگان ۴) گلی زیبا - بزرگوار - شهر مدفن ستارخان ۵) قسمتی از پا - قوانین چنگیز خان - سرشت ۶) شیطان - کلاف در و پنجره چوبی - نشانه ویژه ۷) زهر - خوراک - مسکوک عهد دیلمیان ۸) ملامت کننده - شهری در چین - جد حضرت رسول(ص) ۹) اثر موسیقایی برای دو تکنواز - نفرت - حمار ۱۰) بلندترین قله زاگرس - فریاد رس - کمک‌کننده ۱۱) ته نشست - سختی کشیده - پشیمانی ۱۲) مزه خرمالو - قسمتی از جمجمه - نخستین سگی که قربانی اکتشافات فضایی شد ۱۳) ذخیره - مجسمه عظیم‌الجثه و از عجایب هفت‌گانه - شاعر سرشناس شیلی ۱۴) مواد مذاب سیلیکاتی داخل زمین - زرورق - تکرار حرفی ۱۵) رفیق مشهدی - اضافه کردن - جریان متناوب برق.

حل جدول عادی شماره ۵۳۷۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	ا	ل	ت	و	■	س	م	ی	ر	ا	■	ر	س	ن
۲	ا	ق	■	ب	ر	ب	ر	■	ا	س	ت	غ	م	ا	ر
۳	د	ا	س	ت	ا	ن	ر	ا	س	ت	ا	ن	■	م	خ
۴	و	ج	ب	■	ث	ب	ا	ت	■	ن	و	ا	د	ا	■
۵	■	ا	ح	د	■	ن	س	ا	ج	■	ا	ی	ک	ن	ا
۶	م	ن	ا	ع	ت	■	ت	ب	ا	ه	■	ت	ا	ی	ر
۷	ت	■	ن	و	ب	ر	■	ک	ذ	ا	ب	■	ن	ا	س
۸	ع	م	■	ا	و	ک	ی	■	ب	ر	ا	ی	■	ن	ل
۹	ا	ث	م	■	ک	ا	ر	ا	■	پ	ر	و	ا	■	ا
۱۰	م	ل	ج	ا	■	ب	ا	ل	ا	■	ز	و	ن	ک	ن
۱۱	ل	ه	ا	س	ا	■	ق	د	ق	د	■	ه	ز	ل	■
۱۲	■	م	ب	ت	ذ	ل	■	ن	ا	ر	س	■	و	ا	م
۱۳	خ	ی	■	خ	ر	چ	ن	گ	ق	و	ر	ب	ا	غ	ه
۱۴	ا	ش	ت	ر	ا	ک	ی	■	ی	غ	م	ا	■	پ	ی
۱۵	م	ه	ر	■	ن	ی	ا	س	ا	■	د	ل	ا	ر	ا

حل جدول ویژه شماره ۵۳۷۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ش	گ	ف	ت	ی	■	ب	ر	م	ا	■	ا	ر	م	ه
۲	ی	ل	■	ر	س	ت	ه	■	ا	ر	ا	ن	ی	ت	■
۳	ا	ن	س	ا	ن	و	س	ر	ن	و	ش	ت	■	ز	ل
۴	د	گ	م	■	ا	ت	ا	ش	■	ن	ی	ا	س	■	ا
۵	■	د	ا	و	■	ک	ز	ا	ز	■	ن	و	ر	م	ن
۶	ا	ن	ج	ل	ا	■	ی	د	ک	ی	■	ا	ش	پ	ز
۷	س	■	ت	و	ن	ر	■	ت	ی	و	ب	■	ت	ل	ا
۸	ت	ل	■	م	ج	ا	ب	■	ه	ش	ا	م	■	ی	ر
۹	ر	ا	ن	■	م	و	ر	ب	■	غ	ر	و	س	■	ی
۱۰	ن	ک	ا	ت	■	د	ا	ر	ت	■	ش	ل	م	چ	ه
۱۱	ک	ر	س	ن	ه	■	ی	و	س	ف	■	د	ا	ر	■
۱۲	■	و	ک	ی	و	م	■	ج	ه	ا	د	■	و	ب	ر
۱۳	پ	ن	■	د	ن	د	ا	ن	ت	ی	ز	ک	ر	د	ن
۱۴	ت	ی	ا	ن	ش	ا	ن	■	س	ق	ا	م	■	س	ک
۱۵	و	ا	ج	■	ل	ی	م	ه	■	پ	ا	ر	ت	ی	■

پایان کار سازمان میراث‌فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری

ایرادات شورای نگهبان به مصوبه تشکیل وزارت میراث‌فرهنگی صنایع‌دستی گردشگری هفته گذشته در کمیسیون مشترک مجلس برطرف شد و این هفته رفع ایرادات شورای نگهبان به مصوبه مجلس برای تشکیل وزارت میراث‌فرهنگی در صحن علنی مجلس به رای گذاشته می‌شود. این رای به معنای پایان کار سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری و تولد وزارتخانه میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری است./جام جم

اعطای اولین جایزه حقوق شهروندی به سازمان میراث‌فرهنگی

سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری اولین جایزه حقوق شهروندی را دریافت کرد. معاون میراث‌فرهنگی در مراسم دریافت این جایزه گفت: من به نمایندگی از هزاران کارشناس و حافظان صدیق میراث فرهنگی در این مراسم حضور دارم. به گفته وی، در چند سال گذشته با پیروز شدن ایران در بسیاری از محاکم، بیش از ۵۶۰ شیء تاریخی کشورمان از نقاط مختلف دنیا به کشور بازگشت و خبرهای خوبی هم در این حوزه در راه است./میراث آریا

محمدعلی فضلی‌نژاد در حال آموزش در کارگاهش در اداره فرهنگ و ارشاد مشهد

عکس‌ها: مجید خاکپور و راحله پورسمنانی

گپ‌وگفتی با پدر سفال خراسان و مدرس بزرگ سفالگری مدارس و دانشگاه‌های کشور، به بهانه روز معلم

سفالگری کاسه و بشقاب‌سازی نیست

فاطمه مرادزاده

ایران

همه معلم‌های این سرزمین عزیزند و قابل تقدیر، اما انگار بعضی معلم‌ها معلم‌ترند و فقط تدریس علم نمی‌کنند، یک جورهایی کنار علمشان، بذر عشق و هنر هم می‌پاشند. فقط زبانشان سرکلاس نمی‌چرخد، دست و دل و روحشان هم سرکلاس به پرواز در می‌آید تا شیره جان این سرزمین را؛ علم و هنر و ادب و فرهنگ و تاریخ و تمدنش را در کام دانش‌آموزانشان بریزند و داشته‌های فرهنگی، هنری و تاریخی این سرزمین را نسل به نسل منتقل کنند و چراغ هویت و تمدن آن را همچنان روشن نگه دارند؛ درست همان کاری که استاد محمدعلی فضلی‌نژاد؛ پدر سفال خراسان، سال‌ها در سر کلاس‌هایش انجام داده و انجام می‌دهد و به پاس همین فرزانگی و فرزانه‌پروری‌هایش، موزه خراسان بزرگ، سه‌شنبه گذشته، دهم اردیبهشت شاهد آیین نکوداشت وی بود.

استاد فضلی‌نژاد دلش می‌خواهد جایی باشد مثل یك موزه تا آثار نفیس او از بین نروند تا بمانند برای مردم و نسل‌های بعد و فرهنگ و هنر این سرزمین

استاد فضلی‌نژاد، ریشه در خاك کیمیاپرور نیشابور باستانی دارد؛ خاکی که هنرش را در کام جان محمدعلی ریخته؛ از همان کودکی؛ همان زمان که روستازاده‌ای بیش نبود و وردست پدرِ بنا و کشاورزش، دست در آب و خاك می‌کرد، گِل، خشت می‌کرد و آجر روی آجر می‌گذاشت و یا خاك نم‌گرفته زمین را برای شخم زنی زیرو رو می‌کرد. از همان زمان، عطر خاك عشق‌آلود سرزمینِ فیروزه در جانش نشست. سرش سودایی شد و دلش حالی به حالی، اما تا سال‌ها بعد، سال‌ها پس از هجرت به مشهد، همچنان مجالی برای تجلی عشق و دلمشغولی‌اش پیدا نکرد. عشق اما همیشه راهی برای جوانه زدن و قد کشیدن می‌یابد؛ کاری که با محمدعلی کرد و او را در جوانی و آستانه ۳۰ سالگی به اداره فرهنگ و هنر خراسان رساند؛ گرچه برای پاسبانی و به عنوان نگهبان اداره.

نگهبانی که هنرمند می‌شود

آن سال‌ها در مرکز هنرهای تجسمی اداره فرهنگ و هنر مشهد، استادانی چون منصور دوانلو (استاد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران) و مهران صدرالسادات، با آب و خاك و گِل سرو کار داشتند و درس مجسمه‌سازی و سفالگری به شیفتگان کار گِل می‌دادند؛ فرصتی برای این‌که عشق کار خودش را بکند و محمدعلی دلباخته خاك و گِل را به سوی خود بکشاند و او را مصمم کند هر روز پس از تحویل پست و پایان ساعت اداری خود را به کارگاه استادان رسانده و طریق شاگردی در پیش گیرد، شاید که این عشق خاکی و گِلی او را به افلاك هنر و فرهنگ پرواز دهد.

عشق و علاقه و تمرین و فراگیری هیچ‌گاه و با هیچ بهانه‌ای متوقف نمی‌شود، حتی در سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی که مرکز هنرهای تجسمی اداره فرهنگ و ارشاد برای دو سال تعطیل می‌شود. سال ۵۹ اما زندگی برگِ دیگری را به محمدعلی نشان می‌دهد؛ روی خوش‌ترش را؛ چراکه اساتید مرکز هنرهای تجسمی از اداره می‌روند و کرسی خالی‌شان به فضلی‌نژاد می‌رسد؛ به درخواست مدیریت وقت اداره و به پاس هنری که آموخته و ممارستی که چند سال به خرج داده و افتخاراتی که در مجامع و مسابقات هنری کسب کرده و نشانِ استادی که در چنته دارد. از این پس پست سازمانی او از نگهبانی به استادکار نقش برجسته تغییر می‌یابد و مامور می‌شود هنرش را به دیگر تشنه‌گانِ کارِ گِل و سفال هم منتقل کند.

کسوت معلمی پوشید

اما تدریس و هنرآموزی او به اداره فرهنگ و هنر مشهد که حالا و پس از انقلاب به اداره فرهنگ و ارشاد تغییر نام یافته، محدود نمی‌شود و کار تدریس در حوزه سفال را به مدارس می‌بَرد؛ آن هم مدارس شاهد مشهد. فضلی‌نژاد در این باره به ما می‌گوید: «سال‌های جنگ و دفاع مقدس بود و کودکان زیادی پدرشان را در جبهه از دست داده و در مدارس شاهد تحصیل می‌کردند. این کودکان عمدتا ناراحتی‌ها و بی‌قراری‌های روحی داشتند و از آنجا که کار با گِل به نوعی روان درمانی و آرامش بخش است، کلاس‌های سفالگری در این مدارس دایر شد، البته به پیشنهاد یکی از مدیران مدارس شاهد که از من خواسته شد در این مدارس سفالگری تدریس کنم و همین باعث شد طی کار با گل از ناهنجاری‌های روحی بسیاری از دانش‌آموزان مطلع شوم و به خانواده‌ها و مدیران اطلاع دهم رسیدگی و توجه بیشتری به آنها کنند.»

روان درمانی با گل بازی

محققان می‌گویند کار با گل باعث آرامش روحی و روانی می‌شود و بهترین درمان برای بیماران روانی است، شاید چون سرشت آدمی هم از گِل است. این مساله یك بار توسط یك فیلسوف و روان‌شناس خارجی در یك همایش علمی در بیمارستان سینای (روانی) مشهد هم مطرح شده بود و از همان زمان مدیر بیمارستان سینا خودش نزد استاد فضلی‌نژاد می‌آید و هنر سفالگری را می‌آموزد تا در بیمارستانش کارگاهی دایر و بیماران روانی را در آنجا سرگرم فراگیری ساخت سفال کند، بلکه آرامش بیابند و از بی‌قراری و روانپریشی آنها کاسته شود. کارگاهش هم مدتی کار می‌کند، اما به دلایل امنیتی و نگرانی از سروکار داشتن بیماران روانی با ابزار تیزی چون چاقو و کاردك تعطیل می‌شود. فضلی‌نژاد به جام جم می‌گوید همین حالا هم شاگردانی دارد که خانواده‌های تحصیلکرده‌ای دارند و فرزندانشان را برای آرامش روحی و درمان بی‌قراری به کارگاه او می‌فرستند تا با بازی با گل، تخلیه روانی شوند: «شخصی بود که می‌خواست به زندگی‌اش خاتمه دهد، متوجه شدم، آوردمش کارگاه و با او صحبت کردم، به سفالگری علاقه‌مند شد، آموزشش دادم، با گل کار کرد و آرامش گرفت و الان دارد خیلی خوب زندگی می‌کند. چند هنرجوی کم‌توان ذهنی دارم که رایگان به آنها آموزش می‌دهم، کار با گل برای آنها نوعی درمان است و حال‌شان خیلی بهتر از روزی شده که به اینجا آمدند.»

پدر سفال خراسان شدم

پای فضلی‌نژاد پس از مدرسه شاهد به کانون پرورش فکری، سازمان صنایع‌دستی آن زمان و بعد هم دانشکده‌های تربیت معلم، شهید بهشتی و شهید هاشمی‌نژاد به عنوان استادکار حجم و نقش برجسته باز می‌شود، بعد هم به‌تدریج به دانشگاه‌هایی مثل فردوسی، خیام، الزهرا(س)، دانشگاه هنر نیشابور...: «برای رشته معماری آن دانشگاه‌ها کارگاه‌هایی ایجاد کردم و هنر سفالگری در مشهد کم‌کم رونق گرفت و همین‌ها لقب پدر سفالگری خراسان را برای من به همراه آورد.»

تدریس و شاگردپروری و احیای هنر سفال خراسان -که تقریبا هنر فراموش شده‌ای بود- باعث شد در دورانی در کتاب هنر سال سوم راهنمایی، بخشی به هنر و آموزش سفالگری استاد فضلی‌نژاد اختصاص یابد تا هنرش در دستان دانش‌آموزان سراسر کشور دست به دست شود، هرچند این هنر که قرار بود به عنوان کار عملی در کنار نقاشی و خوشنویسی آموزش داده شود، تنها در لای صفحات کتاب هنر باقی ماند و وزارت آموزش و پرورش به بهانه پردردسر بودن و احداث کارگاه ویژه و کثیف کاری محیط مدرسه، از ترویج و آموزش عملی آن منصرف شد، گرچه همچنان در مدارس شاهد و دوره‌های آموزشی هنری تعطیلات تابستان در مدارس آموزش داده می‌شود.

سفال جان دارد

فضلی‌نژاد سفالگر است؛ اما مثل هیچ سفالگری نیست. وقتی گل را ورز می‌دهد انگار خیام در گوشش نجوا می‌کند و شعر می‌خواند؛ برای همین سفال‌هایش بشقاب و کاسه و کوزه‌ای مثل آنچه تا امروز دیده اید نیست. جان دارند، چهره دارند و با آدمی حرف می‌زنند. می‌گوید من کاسه و کوزه درست نمی‌کنم اصلا سفالگری کاسه و بشقاب سازی نیست. مردم از کارهای بازاری و پر زرق و برق خسته شده‌اند، دوست دارند کارهایی مثل سفال در خانه داشته باشند تا حس خوبی از آن بگیرند و با آن ارتباط برقرار کنند. من کوزه را کیمیا می‌کنم، رویش کنده‌کاری می‌کنم و نقش برجسته و طرح می‌زنم و سرحیوان و پرنده و فرم به آن می‌دهم تا بیننده را درگیر کند و با او حرف بزند، برای همین کارهایم در هیچ مغازه و نمایشگاهی نیست، اصلا فروشی نیست؛ برای ساخت و جان دادن به هرکدام از آنها گاه تا چند روز وقت صرف می‌کنم.

فضلی‌نژاد حواسش به محیط‌زیست هم هست و می‌گوید این کاسه و کوزه‌های سفالی که به وفور در همه جای کشور و در هر مغازه و فروشگاهی دیده می‌شوند، وقتی وارد طبیعت می‌شوند به محیط‌زیست آسیب می‌رسانند. چون هرچیزی در خاك و طبیعت تجزیه می‌شود اما سفال به خاطر حرارت دیدن در کوره قابل تجزیه نیست و وقتی پس از استهلاك و شکستن و دورریخته شدن به طبیعت می‌رسند، مثل انواع پلاستیك بلای جان طبیعت می‌شوند و مسؤولان باید به این مهم توجه کنند.

این سفال‌ها نباید بمیرند

مجسمه‌ها و نقش برجسته‌های سفالِ فضلی‌نژاد که شمارشان امروز به ۵۰۰ قطعه می‌رسد یا در گوشه خانه اش یا کارگاهش یا دکور خانه دوستان و آشنایانی است که هدیه‌ای از استاد گرفته‌اند. اما او دلش می‌خواهد جایی باشد مثل یك موزه تا آثار نفیسش از بین نرود تا بمانند برای مردم و نسل‌های بعد و فرهنگ و هنر این سرزمین. خودش اما سرمایه‌ای ندارد و همین کارگاهی که یك عمر در آن کار می‌کند هم، کارگاه اداره فرهنگ و ارشاد مشهد است؛ نگران همین کارگاه هم هست و می‌گوید: نمی‌دانم بعد از من چه کسی اینجا می‌آید و چه تصمیمی برای این کارگاه می‌گیرد، اما آثار ۴۰ سال تلاش من نباید از بین برود، در این کارگاه نباید بسته شود، آثار من و استادان دیگر را باید در همین کارگاه نگه دارند تا به صورت موزه و گالری باشد و مردم و هنرجویان از آنها بازدید کنند تا در کنار آنها، آثار جدیدی هم خلق شود.